

مدل سازی موانع نظریه پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ایران

حمیدرضا محمودی*^۱، محمد حسن زاده^۲، فاطمه زندیان^۳

بازیابی دانش و نظام‌های معنایی

سال هفتم، شماره ۲۷، تابستان ۱۴۰۰، ص ۱ تا ۳۶

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: با وجود وسعت و غنای موضوعی و تنوع مباحثی که در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی پیش روی محققان است، نظریه پردازی در این رشته با کمبودهایی روبرو است. با توجه به جایگاه اعضای هیئت علمی در توسعه نظریه پردازی در این رشته، این پژوهش به دنبال شناسایی موانع نظریه پردازی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دیدگاه اعضای هیئت علمی است. روش: این پژوهش، از نوع کیفی است و به منظور گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های ایران، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. در مجموع با ۱۸ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های بیرجند، تربیت مدرس، تبریز، شهید باهنر کرمان و شهید چمران اهواز مصاحبه صورت گرفت. داده‌های گردآوری شده بر مبنای نظریه زمینه‌ای طی سه مرحله کدگذاری شد. جهت کدگذاری داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شد. یافته‌ها: بعد از انجام کدگذاری، ۱۰ طبقه محوری بدست آمد. از میان ۱۰ طبقه محوری، طبقات «شخصیت متزلزل» و «ایراد نظام باور» به عنوان متغیرهای مرکزی انتخاب شدند. به توصیه گلیر از طبقه ایراد نظام باور به طبقه شخصیت متزلزل ارجاع داده شد و این طبقه به عنوان متغیر مرکزی شناخته شد. یافته‌ها حاکی از آن است که محققان به دلایلی نظیر تک‌روی در پژوهش، خست علمی، وام‌گیری بدون خلاقیت، مقاومت در برابر تغییر، سطحی‌نگری، بی‌مسئولیتی، دغدغه معیشت، بی‌انگیزگی، کم‌کاری، ضعف هوشی، کمبود نوآوری، ضعف تفکر انتقادی و مجموعه‌ای از عوامل دیگر به نظریه پردازی رغبت نشان نمی‌دهند. اصالت/ارزش: بررسی موانع نظریه پردازی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی با رویکرد کیفی نشان‌دهنده اصالت این پژوهش است. یافته‌ها و پیشنهادات این پژوهش می‌تواند به رفع موانع و ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه نظریه پردازی در رشته علم اطلاعات کمک کند.

کلیدواژه‌ها: موانع نظریه پردازی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نظریه زمینه‌ای

۱. * کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس hamidreza8520@gmail.com

۲. استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس hasanzadeh@modares.ac.ir

۳. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه و بیان مسئله

تعاریف بسیاری از نظریه موجود است. هر یک از صاحب‌نظران از زاویه دید خود به تعریف نظریه پرداخته‌اند. «نظریه مجموعه‌ای از گزاره‌ها و یا قضایا است که تبیین و یا توصیف و یا فهم بین مطالب مختلف را ارائه می‌دهد» (هرسیج، ۱۳۹۰). به اعتقاد دوین^۲ «نظریه مجموعه‌ای از روابط علی بین پدیده‌هاست» (دوین، ۱۹۸۷). برخی معتقدند نظریه، در درک مفاهیم به دلیل ماهیت نظام‌مند آن بسیار کارگشا است و پژوهشگر را در دستیابی و فهم قوانین پیچیده یاری می‌کند. نظریه با تبیین، تفسیر و پیش‌بینی رخدادها، به تدوین قوانین و ارائه پیکره‌ای منجر می‌گردد که پدیده‌ها در آن معنا می‌گیرد. نوربخش مقدم معتقد است، نظریه با هدایت تحقیق‌های پیش‌رو، بستر گسترش دانش را فراهم می‌آورد (نوربخش مقدم، ۱۳۹۳). از پس نظریه و نظریه‌پردازی انگیزه تحقیق در جامعه تقویت و زمینه تحقیقات جدید فراهم می‌شود. به دنبال نظریه‌پردازی اطلاعات جمع‌آوری شده خلاصه و سازماندهی می‌گردد. همچنین با تفسیر روابط متغیرهای برآمده از شواهد، چگونگی همبستگی بین رویدادها روشن می‌شود. براساس قوانین منتج از نظریه، رویدادهای آینده پیش‌بینی و از بروز مشکلات بعدی جلوگیری می‌شود (نوربخش مقدم، ۱۳۹۳). به اعتقاد صاحب‌نظران حیات دانش بشری در گرو نظریه‌پردازی است. آن‌چنان که از تعاریف برمی‌آید، پرواضح است که نظریه‌پردازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با این وجود، شواهد، حاکی از آن است که نظریه‌پردازی در دهه‌های اخیر از نظرها دور مانده است. هرسیج، وضعیت نامطلوب نظریه‌پردازی را مورد نقد قرار می‌دهد و اذعان می‌دارد وضعیت نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی تعریفی ندارد (هرسیج، ۱۳۹۰). تحقیقات این حوزه جنبه تکراری به خود گرفته‌اند و «بیشتر فعالیت‌های علمی و پژوهشی حوزه علوم انسانی، معطوف به بازآمایی نظریه‌های موجود است» (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸). در ارائه پژوهش‌ها و مقالات، کمی‌گرایی مورد توجه قرار گرفته و آن‌طور که باید به کیفیت توجه نمی‌شود. بنابر آمار ارائه شده در سال ۲۰۱۱ سرعت رشد تولید مقاله در ایران ۱۱ برابر میزان رشد جهانی تولید مقاله بوده است؛ (در فاصله سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۸۵، بیش از بیست هزار مقاله آی‌اس‌آی^۳ منتشر شده است، اما

1. Hersij
2. Dubin
3. Institute of Scientific Information

فقط در سال ۲۰۱۱، این میزان افزایش یافته است» (مهرداد، ۱۳۸۹). تولید علم در ایران در ۲۰ سال اخیر قابل توجه بوده و ایران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ در پایگاه اسکوپوس ۶۵ هزار مقاله و در پایگاه استنادی وب‌آوساینس^۱ ۵۹ هزار مقاله ثبت کرده است (دهقانی، ۱۳۹۸). نشریه نیچر^۲، از مراجع معتبر درباره فرایند تولید علم و پایگاه ساینس‌متریکس^۳ در ارزیابی‌های خود تصریح کرده‌اند که رشد کمی تولید مقالات علمی در ایران با رشد کیفی همراه نبوده است (آرکامبولت^۴، ۲۰۱۰؛ نوردن^۵، ۲۰۱۱). اگر یکی از معیارهای تولید نظریه، تعداد مقالات باشد؛ می‌بینیم که علی‌رغم تولیدات پژوهشی بسیار، نظریه‌پردازی رونق چندانی نداشته است. دیناورند (۱۳۹۱) معتقد است در سال‌های اخیر در حوزه علوم انسانی نظریه‌ای مسئله‌محور و مسئله‌گشا مطرح نشده و پیشینه برابر نظریه‌پردازی ایرانی‌ها جنبه فخرفروشی گرفته است و به عنوان چراغ راه برای ادامه دادن این مسیر استفاده نمی‌گردد. این مشکل با شدت و ضعف متفاوت بر تمام رشته‌های علوم انسانی از جمله رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی سایه افکنده است. مطالب فوق به‌طور مستقیم به وضعیت نظریه‌پردازی حوزه علوم انسانی اشاره داشت. رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به عنوان یکی از منشعبات علوم انسانی نیز در زمینه نظریه‌پردازی وضعیت مطلوبی ندارد. کاوش‌های اولیه محقق که جنبه مرور داشت، نشان از آن دارد که اکثر پژوهشگران به تحقیقات کاربردی گرایش دارند. شواهد اولیه مؤید آن است که محققان علم اطلاعات و دانش‌شناسی غالباً از رویکرد کمی برای حل مسائل رشته مذکور استفاده می‌کنند. طی سال‌های اخیر، نظریه‌ای که پاسخگوی نیازهای رشته باشد، ارائه نشده است. برخی از دانشجویان و محققان رشته، حتی با ماهیت نظریه و نظریه‌پردازی آشنایی ندارند و بالتبع سمت نظریه‌پردازی نمی‌روند. محقق در بررسی‌های اولیه، به این نتیجه رسید که محققان این رشته، غالباً از روش‌های توصیفی و همبستگی برای حل مسائل استفاده می‌کنند، حال آن‌که چیستی و ماهیت نظریه توصیفی برای آن‌ها آشکار نیست. و این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که چه موانعی بر سر راه پژوهشگران علم اطلاعات و دانش‌شناسی قرار دارد که این چنین با معضل ضعف نظریه‌پردازی مواجه‌اند.

1. Web of science
2. Nature journal
5. Science Metrix
4. Archambault
5. Noorden

جدول ۱. مؤلفه‌های مورد مطالعه پژوهش

مؤلفه‌ها	
موانع فردی	موانع مدیریتی
موانع فرهنگی	موانع اجتماعی
موانع آموزشی	موانع اقتصادی
موانع سیاسی	

به منظور پاسخگویی به سؤال مزبور پس از مرور منابع موجود، تعدادی مؤلفه استخراج شد و جنبه‌های مختلف هر مؤلفه مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۱).

مرور پیشینه‌ها

از آن جایی که تحقیقات اندکی در زمینه کشف و شناسایی موانع نظریه‌پردازی در داخل و خارج از کشور انجام شده است، مرور پژوهش‌هایی که بر شناسایی موانع تحقیق تمرکز کرده‌اند، می‌تواند راهگشا باشد. لذا در ادامه، علاوه بر مرور پژوهش‌هایی که بر شناسایی موانع نظریه‌پردازی تأکید داشته‌اند، تحقیقاتی که در زمینه شناسایی موانع تحقیق انجام شده است نیز به اختصار آمده است.

اشرفی و همکاران (۲۰۱۵) طی پژوهشی جنبه‌های فردی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، و سازمانی موانع پژوهش مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که میانگین تراکم برنامه درسی دانشجویان نسبت به سایر موانع بیشترین و عدم دسترسی به منابع مناسب کتابخانه‌ای کمترین مقدار را داشته‌اند. همچنین ایشان اذعان داشتند که جنبه فردی بیش از سایر جنبه‌ها تأثیرگذار است. به اعتقاد آن‌ها عدم آشنایی کافی با روش‌های تحقیق و بی‌تجربگی در تحقیق مانع از انجام پژوهش می‌گردد. از یافته‌های این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که محقق باید برای نظریه‌پردازی با روش‌های آن آشنایی کافی داشته باشد. احتمال می‌رود نظریه‌پردازان نوپا، در ارائه نظریه با مشکلاتی روبرو شوند و ارائه نظریه مناسب، نیازمند کسب تجربه است.

الکساندر اولاسن^۱ و همکاران (۲۰۱۷) طی تحقیقی پیمایشی به کندوکاو موانع پژوهشی کارآموزان فوریت‌های پزشکی پرداختند. از پاسخ‌های ۵۵ پرسش‌دهنده‌ای که در این تحقیق

مدلسازی موانع نظریه پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ...

مورد پرسش قرار گرفتند، ۱۵۵ مانع منحصر به فرد شناسایی شد که در ۹ دسته قرار گرفتند. اغلب موانع مربوط به عوامل زمانی، مهارتی و فرهنگی بودند. با توجه به این که نظریه، بخشی از پژوهش است می‌توان این یافته‌ها را این گونه تفسیر کرد: محقق که زمان کافی برای نظریه پردازی نداشته باشد؛ تبعاً سمت نظریه پردازی نخواهد رفت و یا به عبارت دیگر، کمتر به نظریه پردازی خواهد پرداخت. با تعمیم یافته‌های این پژوهش به نظریه پردازی، می‌توان ادعا کرد که محقق که مهارت کافی در نظریه پردازی نداشته باشد، نمی‌تواند در نظریه پردازی توفیق یابد. همچنین ارائه نظریه، نیازمند ترویج فرهنگ تحقیق و نظریه پردازی است.

آدیتی هگد^۱ و همکاران (۲۰۱۷) طی تحقیقی مقطعی موانع تحقیق را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافتند که کمبود بودجه، حجم کار و محدودیت زمانی، کمبود آموزش و مربی در انجام یا عدم انجام تحقیق مؤثراند. محقق و نظریه پرداز اگر از نظر مالی تأمین نشود، دغدغه فکری خواهد داشت. میان حجم کار و زمان انجام تحقیق، باید تناسب وجود داشته باشد. اگر حجم کار زیاد باشد و محقق زمان کافی نداشته باشد، تحقیق به خوبی پیش نخواهد رفت. ارائه تحقیق و همچنین ارائه نظریه‌های باقوام نیازمند آموزش است. در حقیقت، آموزش پیش‌زمینه ارائه تحقیق و نظریه است.

عرب‌مختاری (۱۳۸۶)، موانع پژوهشی را از لنز موضوعی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی واکاوی کرد. وی دریافت که بخشی از مشکلات پژوهش مستقیماً به فرد برمی‌گردد. علاوه بر مشکلات فردی، مشکلات مالی نیز مزید بر علت و مانع انجام تحقیق می‌شود. امکانات و تسهیلاتی که در اختیار محققان قرار می‌گیرد، نویدبخش انجام تحقیقات نوین نیست و محققان از کمبود امکانات و تسهیلات رنج می‌برند.

پورعزت و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی موانع نظریه پردازی علوم انسانی را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که موانع ساختاری، کارکردی، انگیزشی، و فرهنگی مانع نظریه پردازی در علوم انسانی می‌شود. آن‌ها همچنین عدم تأکید بر شناسایی مسئله و حل آن را به عنوان دلیل اصلی رکود نظریه پردازی ذکر کردند.

دانائی‌فر (۱۳۸۹)، طی تحقیقی موانع نظریه پردازی را در دو دسته موانع ذاتی و عرضی قرار داده است. به باور دانائی‌فر، آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها وضعیت بدی دارد.

1. Aditi Hegde

آموزش‌ها به اندازه‌ای نبوده که فرد را به سمت نظریه‌پردازی سوق دهد. محققان اکثراً در روش‌شناسی مشکل دارند و آموزش نظریه‌پردازی از نظرها دور مانده است.

فضل‌الهی (۱۳۹۱)، طی پژوهشی توصیفی-پیمایشی به بررسی عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های دانشجویی پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد محققانی که از نظر فنی و تخصصی ضعیف‌تر باشند در ارائه تحقیق و نظریه‌توفیق چندانی نخواهد یافت. مضاف بر مهارت‌های فنی و تخصصی، محقق باید انگیزه کافی را برای انجام تحقیق داشته باشد. نقش آموزش، در انجام تحقیق و نظریه‌پردازی نقشی انکارناپذیر است. در حقیقت اگر به محقق روش‌های تحقیق و نظریه‌پردازی آموزش داده نشود، نمی‌توان از او انتظار ارائه نظریه داشت. صیرفی، شریعتمداری (۱۳۹۴)، با انجام پژوهشی دریافتند که نبود امکانات و تجهیزات، و منابع مالی کم، می‌تواند مخل و مانع انجام تحقیق شود. یافته‌ها حاکی از آن است که مجموعه‌ای از عوامل فردی و مدیریتی-سازمانی بر روند پژوهش تأثیر می‌گذارد. به باور اعضای هیئت علمی، نظام مدیریتی، نظام نامناسبی است که به ضعف تحقیق و نظریه‌پردازی دامن می‌زند. مضایق و کمبودهای مالی، ذهن محقق و نظریه‌پرداز را درگیر می‌کند و نتیجه این کمبودها، ارائه تحقیقات تکراری خواهد بود.

بابایی و نصری (۱۳۹۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دولت‌سالاری و مداخله‌گرایی سیاسی، نظریه‌پردازی در حوزه علوم سیاسی را به خطر می‌اندازد. او می‌افزاید نبود بسترهای کافی برای آزاداندیشی، به رکود نظریه‌پردازی دامن می‌زند. بودجه ناکافی، محقق را از نظریه‌پردازی دور می‌کند. محقق در صورتی می‌تواند نظریه‌پردازی کند که انگیزه کافی داشته باشد و دغدغه‌های مالی، ذهن او را درگیر نکند. از یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین استنتاج کرد که فناوری می‌تواند روند تحقیق و نظریه‌پردازی را تسهیل نماید. فناوری می‌تواند کاتالیزوری مناسب برای انجام تحقیق و نظریه‌پردازی باشد.

حسن‌زاده، رسولی و کریمی (۱۳۹۸)، طی تحقیقی کیفی اذعان داشتند که موانع سازمانی و فراسازمانی، نظریه‌پردازی را به چالش می‌کشد. یافته‌های این تحقیق نشان از آن دارد که پیوند جامعه با علم، پیوندی ضعیف است. مدیریت آموزش عالی، و همچنین آموزش عالی کارآمدی لازم را ندارد. سیاست‌گذاری‌های آموزشی و پژوهشی نه تنها موجب نظریه‌پردازی نمی‌شود، بلکه روند نظریه‌پردازی را کند کرده و مانع نظریه‌پردازی می‌گردد.

علاوه بر موارد فوق، باید به ماهیت دشوار نظریه‌پردازی نیز اشاره کرد. نظریه‌پردازی ماهیتاً دشوار، نیازمند تجربه، صبر و حوصله است.

آقاپور، فرخی، و دلاور (۱۳۹۸)، طی تحقیقی دریافتند که ابعاد فردی، ساختاری، زیرساختی، و اخلاقی، روند انجام پژوهش را دستخوش تغییر می‌کند. یافته‌ها حاکی از آن است که در صورتی که بودجه پژوهشی ناکافی باشد، فرد به تحقیق و پژوهش دل نخواهد داد. همچنین ضعف پشتیبانی مدیران، محقق را انجام تحقیق بازمی‌دارد. نبود تشریک مساعی و فرهنگ غیرمشارکتی از دیگر موانع انجام پژوهش است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد تناسبی میان زمان و حجم کار وجود ندارد. این مورد می‌تواند محل انجام تحقیق و نظریه‌پردازی باشد. مباحث انگیزشی نیز تحقیق و نظریه‌پردازی را به چالش می‌کشد. در حقیقت از فردی که انگیزه و علاقه‌ای به نظریه‌پردازی ندارد، نمی‌توان انتظار ارائه نظریه را داشت.

از مرور پیشینه‌ها می‌توان چنین استنتاج کرد که به‌طور کلی موانع نظریه‌پردازی در دو دسته فردی و غیر فردی قرار می‌گیرند. بخشی از موانع متوجه فرد است و به ضعف وی بر می‌گردد، حال آن که بخش دیگر موانع غالباً مربوط به ضعف‌های ساختاری-سیستمی یا به عبارتی ضعف‌های غیرفردی است. از سویی، نبود انگیزه، عدم آشنایی با روش‌شناسی‌ها و غیره، وجود موانع فردی را به ذهن متبادر می‌سازد و از سویی دیگر نبود سیستم اطلاع‌رسانی و تبادل علمی، فقدان امکانات مناسب، عدم ارتباط مناسب با شرکت‌های خصوصی، مشکلات آموزشی، اقتصادی-مالی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وجود ضعف‌های ساختاری-سیستمی را نشان می‌دهد. در تحقیق پیش‌رو موانع فوق با رویکردی کیفی و طی مصاحبه‌هایی به طور دقیق و جزئی از دیدگاه اعضای هیئت علمی علم اطلاعات و دانش‌شناسی سراسر کشور مورد بررسی قرار گرفت تا زوایای این موانع روشن‌تر گردد.

هدف اصلی این پژوهش مدل‌سازی موانع نظریه‌پردازی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده است که در قالب اهداف فرعی به شرح ذیل پیگیری شده است:

۱. کشف موانع فردی، مدیریتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، سیاسی، اجتماعی،

فرهنگی، و اقتصادی نظریه‌پردازی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی

۲. تبیین روابط موانع فردی، مدیریتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی نظریه‌پردازی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی

با توجه به اهداف مزبور، سؤالاتی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آنهاست به شرح ذیل بوده است:

۱. موانع فردی، مدیریتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نظریه‌پردازی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی کدام‌اند؟

۲. چه روابطی میان موانع فردی، مدیریتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و موانع اقتصادی نظریه‌پردازی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی وجود دارد؟

روش‌شناسی

هنگامی که شناخت فرایندها، ساختار و عوامل مؤثر بر پدیده در بافت اجتماعی آن مورد نظر باشد، روش نظریه زمینه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نظریه زمینه‌ای، در حقیقت پژوهشگر به دنبال ایجاد نظریه‌ای در مورد افرادی است که فرایند را طی می‌کنند. به طور کلی، نظریه زمینه‌ای ابزاری مناسبی برای کشف چستی‌ها است (هیث^۱، کولی^۲، ۲۰۰۴).

از آنجایی که در تحقیق حاضر به دنبال کشف موانع نظریه‌پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده‌ایم، و نیز با توجه به این که کشف موانع نظریه‌پردازی به معنی کشف چستی‌هاست، لذا استفاده از نظریه زمینه‌ای به عنوان یک رویکرد کیفی مناسب است. در نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری داده‌ها تدریجی، پیوسته و تا رسیدن به اشباع مفاهیم و مقولات ادامه می‌یابد. تقسیم‌بندی مفاهیم و قرار گرفتن مفاهیم مشترک در یک گروه با کدگذاری باز، تقسیم‌بندی مقولات اصلی با کدگذاری محوری، و ایجاد روابط میان مقولات از طریق کدگذاری انتخابی صورت می‌گیرد. در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، تحقیق حاضر از نظر نوع و هدف، تحقیقی بنیادی است. ماهیت تحقیق ایجاب می‌نمود گردآوری اطلاعات با بهره‌گیری از ابزارهای کیفی صورت پذیرد. در وهله اول، روش گردآوری کتابخانه‌ای-اسنادی و از تکنیک فیش‌برداری مورد استفاده قرار گرفته است. مرحله دوم تحقیق با تحلیل

یادداشت‌های مرحله اول، و استخراج مفاهیم و طرح سؤالات کلی آغاز شده است. سؤالات برخاسته از یادداشت‌های مرحله اول سنگ‌بنای فرایند مصاحبه بوده و روند گردآوری اطلاعات با تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ادامه یافته است. بنابراین در پژوهش حاضر، گردآوری اطلاعات با فن فیش‌برداری آغاز و با مصاحبه ادامه یافته است. لازم به ذکر است ابزارهای نوشتاری سنتی به همراه نرم‌افزارهای وان‌نوت و ای‌درا مکس^۱ و مکس کیودا^۲ جهت دسته‌بندی اطلاعات، انتخاب و به کار گرفته شدند. اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های سراسر کشور جامعه آماری این پژوهش را تشکیل دادند. برای انتخاب نمونه، از روش خوشه‌بندی استفاده شد. طی این روش، نقشه ایران به ۵ خوشه شمال غربی، شمال شرقی، جنوب غربی، جنوب شرقی و مرکزی تقسیم شد. سپس از هر خوشه به طور تصادفی یک دانشگاه (تبریز، بیرجند، شهید چمران اهواز، شهید باهنر کرمان، تربیت مدرس) انتخاب شد. سپس با اتکاء بر نمونه‌گیری نظری، با اعضای علمی هر دانشگاه مصاحبه‌ای نیمه ساختاریافته صورت گرفت. در حقیقت برای نمونه‌گیری ابتدا روش خوشه‌بندی مد نظر بوده و سپس از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. در نمونه‌گیری نظری انتخاب هر شرکت‌کننده به شرکت‌کنندگان قبلی و اطلاعات و داده‌های حاصل از آن‌ها بستگی دارد. به عبارت دیگر نمونه‌گیری نظری وابسته به اشباع مفاهیم و دریافت اطلاعات تکراری است. نمونه‌گیری نظری همزمان با تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌شود (اشتراوس^۳، کوربین^۴، ۱۹۹۸؛ پولیت^۵، بک^۶، ۲۰۱۳). در تحقیقات کیفی حجم نمونه حین کار مشخص می‌شود و معیار ثابتی برای تعیین حجم نمونه وجود ندارد. در واقع محققان در پژوهش‌های کیفی نگران تعمیم مسئله نیستند؛ بلکه به دنبال کشف و شناخت عمیق پدیده هستند (پولیت، تاتانو^۷، بک، ۲۰۱۰). با این توضیح، پس از دریافت ۱۸ مصاحبه، داده‌ها به سطح اشباع رسیدند. با این وجود ۴ مصاحبه دیگر نیز انجام شد تا نسبت به اشباع مفاهیم اطمینان حاصل شود. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه شامل ۲ دانشیار، ۱۴ استادیار، و ۲ مربی

1. Edraw Max
2. MAX QDA
3. Strauss
4. Corbin
5. Polit
6. Beck
7. Tatano

آموزشی بودند. لازم به ذکر است برای ارزیابی روایی و دقت و استحکام داده‌ها، از ۴ معیار اعتبار یا مقبولیت، اطمینان-ثبات، قابلیت تأیید، و قابلیت انتقال یا تناسب استفاده شد. اعتبار به اطمینان از صحت و درستی داده‌ها اشاره دارد. بدین معنی که یافته‌ها با منظور و مقصود مشارکت‌کنندگان همخوانی داشته باشد. تحلیل مقایسه‌ای راه مناسبی برای اعتبار بخشی به داده‌ها است. مقایسه مداوم بخش‌های مختلف یک مصاحبه با سایر مصاحبه‌ها بخش‌های نادرست را نمایان می‌کند. علاوه بر این، در طی پژوهش، جستجو برای مباحث مغایر و تحلیل موارد معکوس بر اعتبار داده‌ها می‌افزاید (ویمپنی^۱، گس^۲، ۲۰۰۰). در این پژوهش، محقق تحلیل مقایسه‌ای مداوم را مد نظر قرار داده و علاوه بر آن در پی یافتن و تحلیل موارد معکوس و منفی نیز بوده است. روش دیگر برای اعتبار بخشی به داده‌ها درگیری طولانی مدت با موضوع است. محقق قریب به ۸ ماه با موضوع تحقیق درگیر بوده و در این مدت یافته‌ها را چندین بار مرور و اصلاح کرده است. روش دیگر برای اعتبار بخشی به داده‌ها، بازبینی ناظرین یا همکار یا هم‌تراز سنجی است. به منظور تأیید پذیری داده‌ها، متن هشت مصاحبه اول به همراه کدگذاری باز در اختیار همکاران مسلط بر نظریه زمینه‌ای قرار گرفت تا فرایند تجزیه و تحلیل را بررسی و در مورد نقایص و کاستی‌های آن اظهار نظر نمایند. همچنین صحت و درستی داده‌ها و چگونگی فرایند انجام کار گردآوری داده‌ها و مبنای روش‌شناسی پژوهش نیز به تأیید استادان راهنما و مشاور رسید. قابلیت اطمینان- ثبات معادل پایایی در مطالعات کمی است و به معنای ثبات داده‌ها در طول زمان و شرایط مشابه است. قابلیت اعتماد از طریق حسابرسی صورت می‌گیرد (چایویتی^۳، پیران^۴، ۲۰۰۳). در این پژوهش، پژوهشگر تمام مراحل را از ابتدا تا انتها به صورت دقیق گزارش کرده است تا امر حسابرسی برای ناظران میسر شود. انتقال پذیری یا تناسب داده‌ها به معنای تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر محیط‌ها و گروه‌های مشابه است. از آن جایی که هر تجربه‌ای که در پژوهش کیفی بررسی می‌شود تجربه‌ای منحصر به فرد است؛ لذا قابلیت تعمیم معنایی ندارد. برای بررسی انتقال پذیری داده‌ها، می‌توان یافته‌ها را در اختیار افرادی قرار داد که در پژوهش مشارکت نداشته‌اند. اگر

1. Wimpenny P.
2. Gass J.
3. Chiovitti RF.
4. Piran N.

افرادی که در پژوهش مشارکت نداشته‌اند یافته‌ها را مطابق با تجربیات خود بدانند، انتقال‌پذیری پژوهش تأیید می‌شود (عباس زاده، ۲۰۱۲). در این پژوهش، یافته‌ها در اختیار چند عضو هیئت علمی قرار گرفت و بدین ترتیب انتقال‌پذیری داده‌ها به تأیید رسید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌هایی که به کمک مصاحبه گردآوری شده بودند، از روش نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین ۱۹۹۸ استفاده شد. روش مذکور روشی ۳ مرحله‌ای است که شامل مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی می‌شود. کدگذاری باز اولین مرحله از روش نظریه زمینه‌ای است. در این مرحله مصاحبه‌ها چند مرتبه مرور می‌شوند. داده‌ها به اجزای خود شکسته شده و از نظر شباهت و تفاوت با یکدیگر مقایسه می‌گردند. اتفاقات، اعمال، و موضوعات مشابه با یکدیگر در دسته مشترکی قرار می‌گیرند که اصطلاحاً طبقه نامیده می‌شود. در این مرحله برای نام‌گذاری طبقات از دو شیوه کدگذاری استفاده می‌گردد: الف) استفاده از کلمات فرد شرکت‌کننده در مصاحبه و ب) ساخت کدهایی که پژوهشگر بر مبنای مفاهیم موجود در آن طبقه می‌سازد. در مرحله کدگذاری باز کدها به طور دائم با یکدیگر مقایسه می‌شوند و مترادفات حذف می‌شود. در حقیقت در این مرحله افزونگی کدها کنترل و حذف می‌گردد. سپس کدها از نظر تشابه با یکدیگر مقایسه می‌شوند تا هر کد در بهترین و موجه‌ترین طبقه قرار گیرد. به گونه‌ای که کدهای هر طبقه بیشترین تشابه با یکدیگر و بیشترین تفاوت را با کدهای سایر طبقات داشته باشد. سپس طبقات با یکدیگر مقایسه می‌گردند. طبقاتی که با یکدیگر اشتراک موضوعی دارند در یک طبقه اصلی قرار می‌گیرند. برای هر طبقه اصلی نامی انتخاب می‌شود. اگر طبقه‌ای به اندازه کافی بار معنایی داشت و در هیچ کدام از طبقات اصلی قرار نگرفت، به طور مستقل وارد مرحله بعد می‌شود. در مرحله کدگذاری محوری، روند مقایسه ادامه می‌یابد. هدف از کدگذاری محوری، مرتب کردن، سازماندهی و نظم بخشیدن به طبقات اصلی است. در این مرحله مقوله‌بندی به گونه‌ای ادامه می‌یابد که ارتباط منطقی میان طبقات اصلی مشخص شود. کدهای باز، طبقات و طبقات اصلی که در مرحله کدگذاری باز، تولید شده بودند؛ در مرحله کدگذاری محوری، با یکدیگر مقایسه می‌شوند. هر دو یا چند طبقه اصلی که اشتراک معنایی دارند حول محور مشترکی قرار گرفته و برای هر محور نامی

انتخاب می‌شود. در نهایت فرایند تحلیل با مرحله کدگذاری انتخابی پایان می‌یابد. در مرحله کدگذاری انتخابی سعی می‌شود ارتباط تمام کدها و طبقات حول یک طبقه تبیین و تشریح شود. در واقع هدف از کدگذاری انتخابی، تشخیص طبقه مرکزی است (اشتراوس، کوربین، ۱۹۹۸). متغیر مرکزی متغیری است که بیشترین توان تبیینی را داشته باشد؛ در خلال مصاحبه‌ها بیشتر از سایر کدها تکرار شده باشد؛ مرکزیت داشته و با سایر طبقات در ارتباط باشد (کریمی، حسینیان، آهنچیان، ۲۰۱۴؛ عباس زاده، ۲۰۱۲). مصاحبه‌های گردآوری شده به کمک روش ۳ مرحله‌ای نظریه زمینه‌ای تحلیل شد. اما سعی پژوهشگر بر این بود که انعطاف و پویایی در فرایند تحلیل رعایت شود. پژوهشگر از قاعده اشتراوس و کوربین تبعیت کرد اما تا حد امکان منعطف بود تا به منطقی‌ترین تحلیل دست یابد.

یافته‌ها

پس از انجام ۱۸ مصاحبه، تعداد ۱۸۷ کد اولیه به دست آمد. ادغام و دسته‌بندی کدهای اولیه، تولید ۵۹ طبقه را در پی داشت. با گروه‌بندی انتزاعی طبقات، ۲۶ طبقه اصلی حاصل شد و در نهایت از دل طبقات اصلی، تعداد ۱۰ طبقه محوری به دست آمد.

جدول ۱. تعداد کل کدها و طبقات به دست آمده

کدهای اولیه	طبقات	طبقات اصلی	طبقات محوری
۱۸۷	۵۹	۲۶	۱۰

پرسش شماره ۱: موانع فردی، مدیریتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

نظریه پردازی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی کدام‌اند؟

موانع فردی

تم اصلی ۱: شخصیت متزلزل

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد چنانچه شرایط فرد مساعد نباشد و ابعاد شخصیتی او از انسجام لازم برخوردار نباشد و فرد در درک و استنباط مباحث مشکل داشته باشد، در زمینه نظریه پردازی توفیق نخواهد یافت. بسیاری از محققان کم‌کار و بی‌انگیزه هستند. این‌ها

مدل‌سازی موانع نظریه‌پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ...

می‌تواند نشانگر شرایط نامساعد فرد باشد. دغدغه معیشت نیز می‌تواند شرایط محقق را دستخوش تغییر کند. در همین راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها می‌گوید:

«فردی که نیازهای فیزیولوژیکی‌اش برطرف نشود، نمی‌تواند سمت نظریه‌پردازی برود. استادان به امرار معاش فکر می‌کنند و ذهن‌شان درگیر این‌گونه دغدغه‌ها است».

مضاف بر شرایط نامساعد، سستی و عدم انسجام ابعاد شخصیتی محققان نیز مانع نظریه‌پردازی می‌شود. سستی و عدم انسجام ابعاد شخصیتی محقق از آن جایی قابل تشخیص است که وی در زمینه هوشی، تفکر انتقادی، و نوآوری ضعیف باشد. علاوه بر این، محققى که عزت نفس و اعتماد به نفس کافی ندارد و به عبارت دقیق‌تر دچار نوعی خودباختگی شده است نیز از نظر شخصیتی مشکل دارد و فردی است که هوش، تفکر انتقادی، خلاقیت، و اعتماد به نفس‌اش ضعیف و به عبارتی ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی او سست است. گاهی نیز محقق، خلاق، باهوش، و دقیق است و اعتماد به نفس بالایی دارد، اما این خصایص در او منسجم نیست. لذا سستی و عدم انسجام ابعاد شخصیتی، بازدارنده‌ای برای نظریه‌پردازی محسوب می‌گردد.

در همین زمینه یکی از مصاحبه‌شونده‌ها گفت:

«نظریه‌پردازی نیازمند فراست و زیرکی است و اگر فرد این فراست و زیرکی و هوش را نداشته باشد، زیاد نمی‌توان به نظریه‌پردازی از جانب او امیدوار بود».

محققى که مهارت کافی برای انجام کارهای نظری ندارد و از تحلیل و بررسی مباحث بنیادی عاجز است نیز در امر نظریه‌پردازی به مشکل برمی‌خورد. فردی که به موضوعات رشته خود و سایر رشته‌ها اشراف ندارد، به روش‌شناسی‌ها مسلط نیست، از مطالب جدید آگاهی ندارد، و اطلاعات کافی در مورد مطالب پایه ندارد درک کاملی از دانش نخواهد داشت. عدم درک کامل دانش نیز مانعی در مسیر نظریه‌پردازی است.

جدول ۱. سیر تشکیل طبقه محوری شخصیت متزلزل

طبقه محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
شخصیت متزلزل	شرایط نامساعد	دغدغه معیشت	مشکلات مالی
			دغدغه امرار معاش
			رفع نشدن نیازهای فیزیولوژیکی

بی‌علاقگی		
دل‌ندادن به تحصیل	بی‌انگیزگی	
عدم تمایل به یادگیری		
انگیزه پایین		
بی‌رمقی		
تنبلی	کم‌کاری	
خستگی از تحصیل		
تلاشگر نبودن		
بهره‌هوشی پایین		
هوش هیجانی پایین	ضعف هوشی	
نداشتن فراست و زیرکی		
خلاقیت پایین		
نبوغ پایین	کمبود نوآوری	
فقدان قدرت نقد		سستی و عدم انسجام
فقدان ظرافت علمی		ابعاد شخصیتی
فقدان دقت نظر علمی	ضعف تفکر انتقادی	
فقدان دیدگاه نقادانه		
ضعف عزت نفس		
فقدان اعتماد به نفس	خودباختگی	
فقدان جسارت		
نداشتن مهارت نظری		
ناتوانی در بررسی مباحث	ناتوانی در استنباط	
بنیادی		
ناتوانی در تحلیل		
اشراف‌نداشتن به		
موضوعات		
مسلط نبودن به روش	عدم تسلط	
شناسی‌ها		
عدم آشنایی با نظریه	عدم درک کامل دانش	
پردازش		
ناآگاهی از مطالب جدید		
شناخت ناکافی از مطالب		
پایه		

تم اصلی ۲: ایراد نظام باور

گروهی از افراد در قبال نظریه‌پردازی مسئولیت‌پذیر نیستند و به جای انجام دقیق تکالیف به دنبال رفع تکلیف هستند. این بی‌مسئولیتی نشان می‌دهد که باور فرد نسبت به کار علمی و نظریه‌پردازی مشکل دارد. همچنین محققانی که عمق‌نگری علمی نداشته باشند و به مطالعه سطحی اکتفا نمایند، باور درستی نسبت به نظریه‌پردازی و کار علمی ندارند. در چنین وضعیتی، مقاومت در برابر تغییر نیز مزید بر علت می‌شود و فرد را از نظریه‌پردازی باز می‌دارد. در حقیقت، گاهی محقق در جامعه یا حتی در شخصیت خود متوجه وجود یک معضل یا مشکل می‌شود ولی در راستای حل آن مشکل و تغییر آن وضعیت نابسامان، هیچ اقدامی نمی‌کند. به دو دلیل فرد برای تغییر یک وضعیت نابسامان، اقدامی نمی‌کند: یا از تغییر می‌ترسد، یا برای تغییر کردن و تغییر دادن وضعیت آشفته احساس نیاز نمی‌کند. مقاومت در برابر تغییر نیز نشان می‌دهد باور فرد مشکل دارد. تقلید کورکورانه و کپی‌برداری از کار سایر محققان نیز از دیگر معضلاتی است که نظریه‌پردازی را با مشکل مواجه می‌کند. همین‌کپی‌برداری‌های بی‌رویه و افراطی باعث می‌شود که ایده‌ها تکراری شوند. در واقع افراد به دنبال وام‌گیری افراطی هستند؛ وام‌گیری‌هایی که در آن هیچ خلاقیتی دیده نمی‌شود. وام‌گیری بدون خلاقیت، نیز نشانگر و مویده آن است که باور افراد ایراد دارد. لذا تا زمانی که نظام باور فرد مشکل داشته باشد و محققان به دنبال انحصار دانش و تجربه، سطحی‌نگری، بی‌مسئولیتی و وام‌گیری‌های بدون خلاقیت باشند؛ نظریه‌پردازی رشد نخواهد کرد.

در همین راستا یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اذعان داشت:

«افراد به دنبال این هستند که از روی دست همدیگر کپی‌برداری کنند. هیچ خلاقیتی در

کارشان دیده نمی‌شود و فقط دنبال کپی‌برداری بی‌رویه هستند».

برخی از محققان علم خود را بروز نداده و مهارت‌شان را ایزوله می‌کنند. این دسته از محققان که گرفتار نوعی خست علمی شده‌اند، گویا به دنبال انحصار دانش و تجربه‌شان هستند. گروهی نیز در نظام اطلاعاتی مشارکت نمی‌کنند و فردگرایی را بر کار گروهی ترجیح می‌دهند و به این طریق گرداگرد دانش و تجربه خود حصار می‌کشند. انحصار دانش و تجربه نیز نشانگر وجود ایراد در نظام باور فرد است.

جدول ۲. سیر تشکیل طبقه محوری ایراد نظام باور

طبقات محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
ایراد نظام باور	ایراد باورها	بی مسئولیتی	رفع تکلیف
		سطحی نگری	مسئولیت پذیر نبودن
		مقاومت در برابر تغییر	نبود عمق نگری علمی
		وام گیری بدون خلاقیت	مطالعه سطحی
			ترس از تغییر
			عدم احساس نیاز به تغییر
	انحصار دانش و تجربه		تقلید کورکورانه
			کپی برداری
			ایده‌های تکراری
		خست علمی	بروز ندادن علم
			ایزوله کردن مهارت
		تکروری در پژوهش	فردگرایی
			عدم مشارکت در نظام
			اطلاعاتی

موانع مدیریتی

تم اصلی ۳: تطابق منفی رویکردها، راهبردها و نیروهای مدیریتی

موانع فوق مشخصاً از فرد نشأت می‌گیرد. اما منشاء برخی موانع فرد نیست. نظام‌های مدیریتی، آموزشی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز می‌توانند مانع نظریه پردازی شوند. زمانی که رویکردها، راهبردها و نیروهای مدیریتی به طور همزمان نواقص و کاستی‌هایی داشته باشند و به عبارتی تطابقی منفی میان اجزاء نظام مدیریتی شکل گیرد، نظریه پردازی با مشکل مواجه می‌شود. برنامه‌های تشویقی که برای نظریه پردازی منظور شده است یا اشتباه‌اند یا نقص دارند. این‌ها می‌توانند نا کارآمدی نظام تشویق-تنبیه را به دنبال داشته باشند. از سوی دیگر، در اهداف و راهبردهای تشویقی ابهاماتی وجود دارد و همچنین نظام تشویقی نظامی جامع و کامل نیست. بنابراین می‌توان گفت نا کارآمدی و ابهام در نظام تشویق-تنبیه بیانگر آشفتگی سازوکارهای تشویقی است. این آشفتگی به طور مستقیم به مدیریت مربوط می‌شود و می‌تواند نظریه پردازی را با مشکل مواجه کند. کمبود زمان، فشار زیاد کار، حجم سنگین کارهای تحقیقاتی و ناعادلانه بودن ساعات تدریس از دیگر موانع نظریه پردازی است. موارد

مزبور نشان می‌دهد که فشار برنامه‌های آموزشی-پژوهشی دانشگاه اساتید را از نظریه‌پردازی دور می‌کند. نیروی انسانی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ناکافی است و همین امر موجب می‌شود انرژی اساتید تحلیل رود. بدیهی است زمانی که نیروی انسانی ناکافی باشد و از سویی تعداد دانشجویها زیاد باشد و به عبارتی تناسبی میان تعداد استاد و تعداد دانشجو وجود نداشته باشد، هر استاد باید زمان بیشتری را صرف تدریس نماید. یعنی با نبود نیروی انسانی ناکافی، اساتید زمان کم می‌آورند و انرژی‌شان تحلیل می‌رود. درس‌هایی که برخی از استادان تدریس می‌کنند با زمینه تحقیقاتی آن‌ها همخوانی ندارد. برخی از استادان نیز علاوه بر تدریس بر مناصب اجرایی گمارده می‌شوند. تمام موارد فوق باعث تضییع توان علمی-پژوهشی استادان می‌شود و وضعیت نظریه‌پردازی را به خطر می‌اندازد.

در تأیید مطالب فوق یکی از مصاحبه‌شونده‌ها عنوان کرد:

«انرژی و وقت استاد لا به لای امور اجرایی و تدریس گم می‌شود».

مدیران سازمان‌های بالادستی با زد و بند استخدام می‌شوند و به عبارتی مدیران، مدیرانی سیاسی هستند؛ مدیرانی که دانش و تخصص کافی برای اداره امور مربوطه را دارا نیستند. مدیرانی که نسبت به نظریه‌پردازی ناآگاه‌اند و زمینه کاری و توانمندی آن‌ها همخوانی ندارد. علاوه بر مدیران سازمان‌های بالادستی، مدیران دانشگاهی نیز توانمندی و صلاحیت کافی برای اداره امور را ندارند. موارد فوق، بیانگر عدم صلاحیت مدیران و عواملی است که مانع نظریه‌پردازی می‌شود. یک مشکل دیگر در مدیریت که به رویکرد مدیران مربوط می‌شود، عدم پذیرش جوانان است. مدیران به جوانان بی‌اعتنایی می‌کنند و با سرکوب نیروی جوانی، شانس رونق بخشیدن به نظریه‌پردازی را کاهش می‌دهند. محققان به اندازه کافی پشتیبانی مالی یا مادی نمی‌شوند. حقوق ناکافی و امتیازات مادی پایین سبب می‌شود فرد سمت نظریه‌پردازی نرود. همچنین پشتیبانی ابزاری نیز ضعیف است، چرا که ابزارهای اولیه، امکانات و تسهیلات پژوهشی مناسب در اختیار محققان قرار نمی‌گیرد. وضعیت نامطلوب پشتیبانی مالی و ابزاری مؤید ضعف تدابیر حمایتی است. این تدابیر ضعیف که به مدیریت مربوط می‌شود نظریه‌پردازی را به چالش کشیده و با مشکل مواجه می‌کند. دانشگاه خودمختار نیست و از سوی وزارتخانه به دانشگاه برنامه‌هایی ابلاغ و گاهی تحمیل می‌شود. به عبارت معادل، قوانین سازمان مادر بازدارنده حرکت مختارانه دانشگاه است و این بازدارندگی روند نظریه‌پردازی را کند می‌کند. از سوی دیگر، ساختار و قوانین دانشگاه نیز

گاهي نقش بازدارنده دارد. ساختار اداري دانشگاه ساختار مناسبي نيست و برخوردهاي بروکراتيک و آئين‌نامه‌هاي دست و پاگير، محققان را آشفته مي‌کند. اساتيد با معيارهاي درست و منطقي ارزيابي نمي‌شوند. معيارهاي ارزيابي معيارهاي نادرستي است. مديريت، اساتيد را با جدول ارتقاء و شاخص‌هاي آي اس آي ارزيابي مي‌کند. بازدارندگي قوانين مديريتي که برآيند نادرستي معيار ارزيابي اساتيد، بازدارندگي قوانين سازمان مادر و بازدارندگي ساختار و قوانين دانشگاه است مانع نظريه‌پردازي است. همان گونه که در سطور ابتدائي گفته شد و با مرور مطالب فوق مي‌توان گفت تطابق منفي رويکردها، راهبردها و نيروهاي مديريتي از مهمترين موانع نظريه‌پردازي است چرا که به صورت مستقيم يا غيرمستقيم مي‌تواند ويژگي‌هاي شخصيتي و نظام باور فرد را تحت تاثير قرار دهد. در همين زمينه يکي از مصاحبه‌شونده‌ها توجه افراطي مديريت به جدول ارتقاء را نفي کرد و اذعان داشت:

«همين جدول ارتقاء، خودش بزرگترين مانع نظريه‌پردازي است. همه دنبال پر کردن جدول هستند و کسي به نظريه-پردازي فکر نمي‌کند. يعني وقت نمي‌کنند که به نظريه‌پردازي فکر کنند».

جدول ۳. سير تشکيل طبقه تطابق منفي رويکردها، راهبردها، و نيروهاي مديريتي

طبقه محوري	طبقات اصلي	طبقات	کدهاي اوليه
تطابق منفي	آشفته‌گي سازوکارهاي تشويقي	ناکارآمدي نظام تشويق-تنبيه	ناقص بودن برنامه‌هاي تشويقي اشتباه بودن برنامه‌هاي تشويقي
رويکردها، راهبردها، و نيروهاي مديريتي	تضيق توان علمي- پژوهشي اساتيد	فشار برنامه‌هاي آموزشي-پژوهشي	ابهام در اهداف نظام تشويقي ابهام در راهبردهاي تشويقي جامع الاطراف نبودن نظام تشويقي فشار زياد کار
		فشار برنامه‌هاي آموزشي-پژوهشي	حجم سنگين کارهاي تحقيقاتي کمبود زمان
		تحليل انرژي اساتيد	تحليل انرژي در تدریس ناعادلانه بودن ساعات تدریس تحليل انرژي در امور اجرايي نيروي انساني ناکافي

عدم همخوانی زمینه تحقیقاتی با		
دروس		
متخصص نبودن مدیران		
ناآگاهی مدیران از نظریه پردازی		
مدیران بی‌دانش		
عدم تناسب کار و توانمندی مدیر	ضعف مدیران بالادستی	
مدیران سیاسی		
زد و بند در مدیریت		
توانمند نبودن مدیران دانشگاهی	ضعف مدیران	
صلاحیت نداشتن مدیران	دانشگاهی	عدم صلاحیت مدیران
دانشگاهی		
بی‌اعتنایی به جوانان	عدم پذیرش جوانان	
سرکوب نیروی جوانی		
حقوق ناکافی	ضعف در پشتیبانی مالی	
امتیازات مادی پایین		
نامناسب بودن امکانات پژوهشی	ضعف در پشتیبانی	
نامناسب بودن تسهیلات	ابزاری	
نامناسب بودن ابزارهای اولیه		
خودمختار نبودن دانشگاه	بازدارندگی قوانین	
فشار وزارتخانه به دانشگاه	سازمان مادر	
برخوردهای بروکراتیک	بازدارندگی ساختار و	
آئین نامه‌های دست‌وپاگیری	قوانین دانشگاه	بازدارندگی قوانین
بد بودن ساختار اداری دانشگاه		مدیریتی
ارزیابی بر اساس شاخص‌های	نادرست بودن معیار	
آی‌اس‌آی	ارزیابی اساتید	
ارزیابی براساس جدول ارتقاء		

موانع سیاسی

تم اصلی ۴: علم سیاست‌زده

حزب‌گرایی و پیروی از مکاتب فکری خاص به نحوی سیاست‌زدگی را به ذهن متبادر می‌سازد. نگاه‌های جناحی و اصطلاحاً سیاست‌زدگی، گاهی باعث می‌شود فرد از تولید و ارائه نظریه منصرف شود. البته برخی از استادان اعتقاد دارند که سیاست تأثیری بر نظریه پردازی ندارد، چرا که رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی رشته‌ای است که زیاد به

سیاست و گرایش‌های سیاسی ارتباطی ندارد. با این حال سیاست‌زدگی گاهی تأثیر خودش را می‌گذارد و فرد را از تولید علم و نظریه‌پردازی باز می‌دارد. در حال حاضر، فضای سیاسی فضایی غبارآلود و بافت سیاسی، بافت نامناسبی است. این‌ها مستقیم یا غیرمستقیم آرامش فکری محقق را سلب می‌کند. کمبود آرامش فکری و سیاست‌زدگی، نوعی بازدارندگی ایجاد می‌کند و به تاریکی فضای نظریه‌پردازی دامن می‌زند. می‌توان چنین ادعا کرد که کمبود آرامش فکری از یک سو و سیاست‌زدگی از سوی دیگر موجبات کمبود استقلال دانشگاهی را فراهم می‌آورد. همین کمبود استقلال دانشگاهی نیز می‌تواند نظریه‌پردازی را به چالش بکشد. سیاست در دانشگاه رخنه کرده و در علم مداخله می‌کند. مدیریت سیاسی بر دانشگاه حاکم شده و به عبارت دقیق‌تر مدیریت سیاسی علم، راه را برای هرگونه اظهار نظر بسته است. تعامل میان مدیران و دانشمندان تعاملی ضعیف است و ارتباط مستحکمی میان جامعه و دانشگاه نیز وجود ندارد. مدیریت سیاسی علم و کمبود تعامل دانشگاه-جامعه نشان از ضعف سیاست‌های علم دارد. مطالب فوق نشان می‌دهد که علم، سیاست‌زده است و همین علم سیاست‌زده در برخی مواقع نظریه‌پردازی را تحت تأثیر قرار داده و مانع نظریه‌پردازی می‌شود.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در مورد سیاست و فضای سیاسی گفت:

«سیاست به همه جا سرک می‌کشد و در دانشگاه و زمینه‌های علمی هم مداخله می‌کند».

جدول ۴. سیر تشکیل طبقه محوری علم سیاست‌زده

طبقات محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
علم سیاست‌زده	کمبود استقلال دانشگاهی	سیاست‌زدگی	حزب‌گرایی پیروی از مکتب فکری خاص
		کمبود آرامش فکری	فضای غبارآلود سیاسی بافت نامناسب سیاسی
	ضعف سیاست‌های علم	مدیریت سیاسی علم	مداخله سیاست در علم مدیریت سیاسی دانشگاه

کمیود تعامل دانشگاه-	تعامل ضعیف مدیران با
جامعه	دانشمندان
نبود ارتباط بین دانشگاه و جامعه	

موانع اقتصادی

تم اصلی ۵: نابسامانی اقتصادی

اقتصاد و مباحث اقتصادی-مالی نیز تا حدودی می‌تواند سد راه نظریه‌پردازی شود. البته اقتصاد و مباحث اقتصادی-مالی به خودی خود مانع نظریه‌پردازی نیست. این نابسامانی اقتصادی است که مانع نظریه‌پردازی می‌شود. بودجه‌بندی نامناسب و ساختارهای مالی معیوب که نمودی از نابسامانی اقتصادی است، اثر منفی بر روند تولید نظریه و نظریه‌پردازی می‌گذارد. تخصیص بودجه ناچیز به پژوهش و امور پژوهشی، تخصیص منابع مالی مقطعی به پژوهش، و تقسیم پی در پی بودجه پژوهشی نشان از آن دارد که فرایند بودجه‌بندی فرایند مناسبی نیست و ضعف‌ها و کاستی‌هایی دارد. از سوی دیگر ساختارهای مالی ساختارهایی غیرعلمی و ضعیف است و برنامه‌های اقتصادی نیز ضعیف دارد. براینده ضعیف و غیر علمی بودن ساختارهای مالی و ضعف برنامه‌های اقتصادی نشان می‌دهد که ساختارهای مالی، معیوب است. به طور کلی می‌توان گفت نابسامانی اقتصادی نیز مانعی برای نظریه‌پردازی است.

در همین راستا، یکی از مصاحبه‌شونده‌ها گفت:

«به هر حال اقتصاد هم تأثیر منفی بر نظریه‌پردازی می‌گذارد. مثلاً همین که بودجه ناچیزی به پژوهش اختصاص می‌دهند و یا اینکه بودجه پژوهشی به صورت پی در پی تقسیم می‌شود، می‌تواند نظریه‌پردازی را کند یا متوقف کند.»

جدول ۵. سیر تشکیل طبقه محوری نابسامانی اقتصادی

طبقات محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
نابسامانی اقتصادی	نابسامانی اقتصادی	بودجه بندی نامناسب	تخصیص بودجه پژوهشی ناچیز
			تخصیص منابع مالی مقطعی به پژوهش
			تقسیم پی در پی بودجه پژوهشی

ساختارهای مالی غیرعلمی	ساختار مالی معیوب
ساختارهای مالی ضعیف	
ضعف برنامه‌های اقتصادی	

موانع آموزشی

تم اصلی ۶: سیستم آموزشی معیوب

در سیستم آموزشی نیز نقص‌هایی وجود دارد که نظریه‌پردازی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع سیستم آموزشی به دلایلی، سیستمی معیوب است. همین معیوب بودن سیستم آموزشی، مانع نظریه‌پردازی می‌شود. ضعف نیروهای فکری، زیرساخت، و مواد و محتوا و همچنین رویکرد آموزشی-پژوهشی خشک و خطی، معیوب بودن سیستم آموزشی را آشکار می‌کند. عدم توجه به بنیاد در سرفصل درس‌ها، همپوشانی مطالب در مقاطع مختلف، و گسست تاریخی-معرفتی نشان می‌دهد که مواد و محتوای رشته به گونه‌ای است که کندی نظریه‌پردازی را تشدید می‌کند. عدم تدوین و تدریس شیوه نظریه‌پردازی، ارائه نشدن واحد درسی نظریه‌پردازی و تأکید بر آموزش‌های مهارتی از جمله موانعی است که ضعف مواد و محتوا را نمایان می‌کند. علاوه بر این، درس‌های مقاطع مختلف تکراری هستند و مباحث رشته همپوشانی شدیدی دارند. این موارد نیز به صورت غیرمستقیم می‌تواند نظریه‌پردازی را به تعویق بیندازد و مانع نظریه‌پردازی شود. به این معنی که اگر به جای ارائه شدن واحدهای درسی تکراری، واحد درسی نظریه‌پردازی ارائه می‌شد و بر اهمیت آن تأکید می‌شد، شاید وضعیت نظریه‌پردازی به گونه دیگری پیش می‌رفت. نگاه تاریخی بر درس‌های رشته حاکم است و از طرفی مبانی فلسفی رشته، ضعیف و فلسفه وجودی آن مبهم است. همین نگاه تاریخی و ضعف مبانی فلسفی به نحوی موجب گسست تاریخی-معرفتی در رشته شده است. گسست تاریخی-معرفتی نیز یکی از موانع نظریه‌پردازی است.

در این زمینه یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اذعان کرد:

«مبانی فلسفی رشته ضعیف است و نگاه، نگاهی تاریخی است. این‌ها باعث ایجاد گسست

تاریخی-معرفتی در رشته شده است.»

پایان‌نامه‌ها غالباً کاربردی هستند و در عین کاربردی بودن ضرورت‌محور نیستند. این

یعنی رویکرد پایان‌نامه‌نویسی رویکرد درستی نیست. آموزش‌ها نیز به گونه‌ای است که

مدل‌سازی موانع نظریه‌پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ...

موجب پرورش خلاقیت نمی‌شود. حتی گاهی آموزش‌ها به گونه‌ای است که ذهن خلاق و ایده‌پرداز را به ذهنی خشک و خطی تبدیل می‌کند؛ ذهنی که همه چیز را در همبستگی X و Y می‌بیند. لذا رویکرد آموزشی-پژوهشی رویکردی خشک و خطی است. نیروهای فکری دانشگاه که همانا اساتید و دانشجویان هستند نیز ضعف دارند. بازدهی استادان پایین است و استادان در تدریس و پژوهش بی‌رغبت هستند. دانشجویان نیز ضعیف هستند، چرا که نخبه‌های علوم ریاضی، تجربی و انسانی جذب رشته نمی‌شوند. معمولاً دانشجویهای متوسط یا ضعیف جذب می‌شوند. علاوه بر موارد فوق، زیرساخت آموزشی نیز مشکل دارد. امکان دسترسی به بنیادهای علمی دنیا برای استادان و محققان فراهم نشده است. فرد تا زمانی که به منابع علمی جدید و آثار معرفت‌شناختی جدید دسترسی نداشته باشد دانش جدید و عمیقی برای ارائه نظریه نخواهد داشت. موانع آموزشی فوق نیز با شدت و ضعف متفاوت می‌تواند نظام باور فرد و ابعاد شخصیتی او را تحت تأثیر قرار داده و متعاقب آن نظریه‌پردازی را با مشکل مواجه کند.

جدول ۶. سیر تشکیل طبقه محوری سیستم آموزشی معیوب

طبقات محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
سیستم آموزشی معیوب	ضعف مواد و محتوا	عدم توجه به بنیاد در سرفصل دروس	عدم توجه به مبانی نظری در دروس
			ارائه نشدن واحد درسی نظریه پردازی
			عدم تدوین شیوه نظریه پردازی آموزش‌های مهارتی
			عدم آموزش شیوه نظریه پردازی تکراری بودن دروس مقاطع مختلف
			همپوشانی مطالب
			همپوشانی شدید مباحث نگاه تاریخی در دروس ضعیف بودن مبانی فلسفی ابهام در فلسفه وجودی رشته
			گسست تاریخی - معرفتی

ضرورت محور نبودن پایان‌نامه	رویکرد اشتباه در	
کاربردی بودن پایان‌نامه	پایان‌نامه نویسی	رویکرد آموزشی -
عدم پرورش خلاقیت	رویکرد آموزشی ضد	پژوهشی خشک و
از بین رفتن ذهن ایده پرداز	خلاقیت	خطی
مقابله با نوپردازی		
بازدهی پایین اساتید	ضعف اساتید	ضعف نیروهای فکری
کیفیت نامناسب آموزش		
بی رغبتی در تدریس و پژوهش		
جذب نکردن نخبه های علوم	جذب دانشجویان	
انسانی	ضعیف	
جذب نکردن نخبه های علوم		ضعف زیرساخت
ریاضی		
عدم دسترسی به منابع علمی	عدم دسترسی به	
جدید	بنیادهای علمی	
عدم دسترسی به آثار معرفت		
شناختی جدید		

موانع اجتماعی

تم اصلی ۷: سستی باورها و پیوندهای اجتماعی

در ساحت اجتماعی نیز موانعی وجود دارد. باورها و پیوندهای اجتماعی سست است، چراکه از سوی همکاری و مشارکت و همچنین پیوندهای جامعه علمی ضعیف است و از سوی دیگر جامعه از نظریه پردازی روی گردانده و به آن پشت کرده است. به عبارت دقیق تر، روحیه جمعی، تشریک مساعی، تضارب فکری، و جدل‌های جدی وجود ندارد و به اهمیت برگزاری کرسی نظریه پردازی نیز توجه نمی‌شود. عزم راسخی برای انجام کار علمی وجود ندارد. پیوندها و ارتباط استاد-استاد و استاد-دانشجو پیوندهای قوی و مستحکمی نیست. علاوه بر این ارتباطات درون‌دانشگاهی و بین‌دانشگاهی نیز ضعیف است.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در همین زمینه گفت:

«کرسی نظریه پردازی برگزار نمی‌شود و اگر هم جلسه‌ای برگزار می‌شود بیشتر جنبه

نمایشی دارد».

مدل‌سازی موانع نظریه‌پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ...

نشریات و دانشگاه به نظریه‌پردازی بها نمی‌دهند به اهمیت آن پی نبرده‌اند. در نشریات به مقالات نظری توجه نمی‌شود و به تعبیر دیگر، جامعه اقبال‌چندانی به نظریه‌پردازی نشان نمی‌دهد. جامعه، حمایت‌های معنوی خود را از فرد دریغ می‌کند و فرد در جذب سرمایه اجتماعی زیاد موفق نیست. نظریه‌پردازی در چنین وضعیتی رشد نمی‌کند.

جدول ۷: سیر تشکیل طبقه محوری سستی باورها و پیوندهای اجتماعی

طبقات محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
			برگزار نشدن کرسی نظریه‌پردازی
		ضعف همکاری و مشارکت	نبود تشریک مساعی تضارب فکری ضعیف نبود جدل‌های جدی نبود روحیه جمعی
	سست بودن پیوندها		ضعیف بودن رابطه استاد-استاد ضعیف بودن رابطه استاد-دانشجو
سستی باورها و پیوندهای اجتماعی		سست بودن پیوندهای جامعه علمی	ارتباطات درون دانشگاهی ضعیف ارتباطات بین دانشگاهی ضعیف
		عدم اقبال به نظریه‌پردازی	عدم اقبال نشریات به نظریه‌پردازی عدم اقبال دانشگاه به نظریه‌پردازی
	رویگرداندن جامعه از نظریه‌پردازی ضعیف انگیزی	پردازی	بی‌اهمیت دانستن نظریه‌پردازی عدم اقبال به مقالات نظری
		نبود سرمایه اجتماعی	نبود حمایت معنوی نبود حمایت اجتماعی

موانع فرهنگی

تم اصلی ۸: پارادوکس مهاجم وابسته

پارادوکس مهاجم وابسته، اصطلاحی است که بخشی از موانع فرهنگی نظریه‌پردازی را در خود پوشش می‌دهد. گاهی فرد از یک طرف دچار وابستگی به غیر می‌شود و از طرف دیگر از ضعف فرهنگ تعامل علمی رنج می‌برد و در پی تحقیر و تخریب دیگران است. غرب‌زدگی، دگرشیفتگی و مصرف‌گرایی نوعی وابستگی به غیر را به ذهن متبادر می‌سازد. الگوبرداری از غرب، رواج یافته و گویا برخی برای غرب‌زدگی می‌کنند. این وابستگی عمیق به جهان غرب، بنیان نظریه‌پردازی را سست می‌کند. نوعی شخصیت‌زدگی و غریبه‌پرستی نیز در جامعه مرسوم شده و این دگرشیفتگی‌ها نیز در تضعیف بنیان‌های نظریه‌پردازی بی‌تأثیر نیست. وام‌گیری‌های افراطی و روحیه مصرف‌کنندگی نیز نه تنها کمکی به نظریه‌پردازی نمی‌کند، بلکه آن را تضعیف می‌کند. تحقیر، توهین و بی‌احترامی به رشته و البته مسخره کردن ایده نو که نمودی از ضعف فرهنگ تعامل علمی است گاهی نظریه‌پرداز بالقوه را از بالفعل شدن باز می‌دارد. البته گروهی از استادان معتقداند شخصی که در پی نظریه‌پردازی است به توهین و تمسخر توجه نمی‌کند و این مسائل برای محققان نوپا آزاردهنده است. فرهنگ نقد و نقادی در جامعه دیده نمی‌شود و افراد به جای نقد، به دنبال تخریب یکدیگر هستند. گویی نوعی حسدورزی و کینه‌ورزی در نظام فرهنگی ریشه دوانده است به طوری که افراد به یکدیگر هجوم می‌برند و نقدها غیر منصفانه است. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها در زمینه توهین و تمسخر گفت:

«ایده نو را مسخره می‌کنند، توهین می‌کنند و فرهنگ نقد وجود ندارد».

جدول ۸. سیر تشکیل طبقه محوری پارادوکس مهاجم وابسته

طبقات محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
پارادوکس مهاجم وابسته	وابستگی به غیر	غرب‌زدگی	بردگی برای غرب
		دگرشیفتگی	الگوبرداری از غرب
			وابستگی به غرب
			شخصیت‌زدگی
			غریبه‌پرستی

مصرف‌گرایی	وام گرفتن افراطی
ضعف فرهنگ تعامل علمی	مصرف‌کنندگی
تحقیر کردن	توهین
فرهنگ تخریب به جای نقد	احترام نگذاشتن به رشته
نقد	مسخره کردن ادعای نو
	نقد غیر منصفانه
	هجوم بردن به نظریه پرداز
	کینه‌ورزی
	حسدورزی

موانع فرهنگی

تم اصلی ۹: میل به تکرار و واپسگرایی

میل به تکرار و واپسگرایی نیز در جامعه علمی رواج یافته و محققان را از نوپردازی و نظریه پردازی دور کرده است. افراد کهنه‌گرا هستند و به نظریه‌های سنتی دلباختگی دارند. به عبارت دیگر سنت‌زدگی میان محققان رایج شده است. فکر نو و ایده جدید جایگاه و منزلتی ندارد و پیرپرستی تبدیل به فرهنگ شده است.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها این‌گونه به پیرپرستی اشاره کرد:

«بندۀ خود را ملتزم به احترام به نیاکان و بزرگان رشته می‌دانم با این حال پیرپرستی

نظریه پردازی را به خطر می‌اندازد».

علاوه بر موارد فوق، الگوهای پیش پا افتاده، رواج یافته است و افراد به انجام کارهای تکراری علاقه‌مند شده‌اند. فرهنگ مسئله‌محوری در جامعه علمی وجود ندارد و افراد توهم مسئله‌یابی و الگوسازی دارند.

جدول ۹: سیر تشکیل طبقه محوری میل به تکرار و واپسگرایی

طبقات محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
میل به تکرار و واپسگرایی	میل به تکرار و واپسگرایی	سنت زدگی	کهنه‌گرایی
			دلباختگی به نظریه‌های سنتی
		عدم پذیرش ایده‌های نو	توجه نکردن به فکر نو
			پیرپرستی
			جایگاه نداشتن کار جدید

رواج الگوهای پیش پا	توهم مسئه‌یابی و
افتاده	الگوسازی
تمایل به کارهای تکراری	
نبود فرهنگ مسئله‌محوری	

موانع فرهنگی

تم اصلی ۱۰: عدم توازن نظر و عمل

توازن عمل و نظر نیز به دلایلی بر هم خورده است. این عدم توازن از آن جایی قابل استنتاج است که از یک سو شاهد کمی‌گرایی و عمل‌گرایی و از سوی دیگر شاهد غفلت محققان از جنبه نظری علم هستیم. دیدگاه محققان مبتنی بر امتیازمحوری، و نگاه‌شان نگاهی عددی است. اکثر محققان به دنبال منفعت‌طلبی و ترفیع رتبه هستند. مدرک‌گرایی نیز مصداقی از امتیازمحوری افراد است. به موجب فرهنگ «بنویس رتبه بگیر» فرد معمولاً برای این که حقوق بیشتری دریافت کند و یا به مقام والاتری ترفیع یابد به دنبال اخذ مدرک است. در چنین وضعیتی نمی‌توان به نظریه‌پردازی امیدوار بود. افراد به جای کیفیت به کمیت اهمیت می‌دهند و سطح تولیدات علمی و تعداد تألیفات و کثرت‌گرایی در میان جامعه علمی نهادینه شده است. در جامعه مسائل عملی حل نشده بسیاری وجود دارد و به همین دلیل اکثر افراد به دنبال حل مسائل عملی هستند. به دیگر عبارت، محققان عمل‌گرا هستند. کار بنیادی سبک شمرده می‌شود و علم ناب که محصول نظریه‌پردازی است، نادیده گرفته می‌شود.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها، عمل‌گرایی را این چنین تبیین می‌کند:

«علم یعنی نسخه بیچ درد دوا کن. نسخه بیچ درد دوا کن یعنی کار عملی. وقتی همه بروند به سمت کار عملی طبیعی است که بخش نظری فراموش شود. ماهیت جهان سومی باعث شده که مسائل عملی حل نشده زیادی وجود داشته باشد. برای همین کسی به نظریه‌پردازی و تولید علم ناب توجه نمی‌کند».

جدول ۱۰. سیر تشکیل طبقه عدم توازن نظر و عمل

طبقات محوری	طبقات اصلی	طبقات	کدهای اولیه
عدم توازن عمل و نظر	کمی‌گرایی	امتیازمحوری	تلاش برای ترفیع رتبه منفعت‌طلبی

اعتبار دادن به تعداد و کثرت			
مهم دانستن سطح تولیدات علمی	نگاه عددی		
فرهنگ بنویس رتبه بگیر			
مدرک‌گرایی			
رواج کارهای عملی			
وجود مسائل عملی حل نشده	عملگرایی	عملگرایی	عملگرایی
فرهنگ نادیده گرفتن علم			
غفلت از جنبه نظری علم	غفلت از جنبه نظری علم	غفلت از جنبه نظری علم	غفلت از جنبه نظری علم
سبک شمردن کار بنیادی	تاب		

پرسش شماره ۲: چه روابطی میان موانع فردی، مدیریتی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نظریه‌پردازی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی وجود دارد؟

تبیین مدل نهایی موانع نظریه‌پردازی

مقایسه مداوم کدها و طبقات نشان می‌دهد که ایراد نظام باور، و شخصیت متزلزل در مرکز موانع نظریه‌پردازی قرار می‌گیرد. چرا که فرد، عامل اصلی نظریه‌پردازی است. یعنی اگر تمام عوامل دیگر مساعد باشند، ولی نظام باور فرد مشکل داشته و شخصیت او متزلزل باشد نظریه‌پردازی رونق نخواهد یافت. فردی با شخصیت متزلزل فردی است که شرایط روحی - روانی او نامساعد است، ابعاد و ویژگی‌های شخصیتی او منسجم نیست و در درک و استنباط مباحث بنیادی مشکل دارد. فردی که نظام باور او مشکل داشته باشد، به جای اشاعه دانش و تجربه به دنبال انحصار دانش و تجربه است. عوامل مدیریتی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با شدت و ضعف متفاوت بر شخصیت و نظام باور فرد تأثیر می‌گذارند و بدین ترتیب وضعیت نظریه‌پردازی را دستخوش تغییر می‌کنند. محققان همانند سایر افراد جامعه ناچار به تبعیت از قوانین هستند. زمانی که قوانین مدیریتی دست و پاگیر و رویکرد مدیران، رویکردی اشتباه باشد و مدیران صلاحیت کافی برای اداره امور را نداشته باشند محقق دچار مشکل می‌شود. در حقیقت تطابق منفی رویکردها، راهبردها، و نیروهای مدیریتی باعث می‌شود که فرد و متعاقب آن، نظریه‌پردازی دچار مشکل شود. فضای سیاسی

فضایی علم‌گریز است و این علم‌گریزی از سیاست‌گذاری‌هایی که برای جامعه علمی صورت می‌گیرد، قابل درک است. سیاست‌گذاری‌هایی که برای جامعه علمی منظور می‌شود؛ سیاست‌گذاری‌های سیاسی است. سیاست با دخالت در عرصه علمی نوعی بازدارندگی ایجاد کرده و شخصیت و نظام باور افراد را تحت تأثیر قرار داده است.



شکل ۱. مدل نهایی موانع نظریه پردازی

در بحبوحه نابسامانی نظام‌های چندگانه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، و مدیریتی، نمودهایی از نابسامانی نظام اقتصادی نیز به چشم می‌خورد. بودجه‌بندی‌های نامناسب و ساختارهای مالی معیوب که بیشتر به نظام اقتصادی-مالی مربوط می‌شود نیز می‌تواند به صورت غیرمستقیم شخصیت و باور فرد را دستخوش تغییر کند. با توجه به ضعف‌هایی که در نظام آموزشی دیده می‌شود، می‌توان گفت سیستم آموزشی سیستمی معیوب است. شخصیت و باور فردی که در یک سیستم آموزشی معیوب در حال تحصیل است با تأسی از چنین سیستمی دچار نابسامانی خواهد شد. ضعف مواد و محتوا، نیروهای فکری و زیرساخت و همچنین رویکرد آموزشی-پژوهشی خشک و خطی که بر سیستم آموزشی حاکم است، شخصیت و نظام باور فرد را دگرگون می‌کند. مسائل اجتماعی نیز می‌تواند در روند نظریه پردازی، نقش مانع و بازدارنده داشته باشد. از آن جایی که فرد جزئی از اجتماع است، زمانی که باور افراد جامعه مشکل داشته باشد؛ در حقیقت باور اجتماعی آن

جامعه مشکل دارد. در جامعه‌ای که باور و پیوندهای اجتماعی سست باشد، نمی‌توان به نظریه‌پردازی امیدوار بود. عکس گزاره فوق نیز صادق است. جامعه از افراد تشکیل شده است، زمانی که باور نادرستی بر جامعه حاکم باشد، معدود افرادی که باور درستی دارند به احتمال فراوان تحت تأثیر باورهای اجتماعی غلط قرار می‌گیرند. جامعه‌ای که در آن به نظریه‌پردازی اقبال نشان داده نمی‌شود، این باور را به فرد منتقل می‌کند که نظریه‌پردازی کار عبث و بیهوده‌ای است. مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات فرهنگی نیز وجود دارد که با تحت تأثیر قرار دادن نظام باور و شخصیت افراد، وضعیت نظریه‌پردازی را به چالش کشیده و به خطر می‌اندازد. نوعی وابستگی به غیر و روحیه تهاجمی در جامعه علمی به جریان افتاده و این پارادوکس، میان محقق و فرایند نظریه‌پردازی فاصله می‌اندازد. میل به تکرار و واپسگرایی، فرهنگ ناصوابی است که بر پیکره افکار و باورهای محققان ضربه می‌زند. کمی‌گرایی، عمل‌گرایی و غفلت از جنبه نظری علم باعث شده است که توازن عمل و نظر در جامعه علمی بر هم خورده و نظریه‌پردازی به خطر بیافتد. به طور کلی می‌توان گفت، جامعه‌ای که در آن سیستم‌های مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی ضعف داشته باشد و نظمی بر آن حاکم نباشد شخصیت و نظام باور فرد را به چالش کشیده و متعاقب آن نظریه‌پردازی را به خطر می‌اندازد.

نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که دغدغه معیشت، بی‌انگیزگی و بی‌رغبتی به تحصیل، بی‌تحریکی، ضعف هوشی، ضعف نوآوری، ضعف تفکر انتقادی، خودباختگی، ناتوانی در استنباط، عدم درک کامل دانش، بی‌مسئولیتی، سطحی‌نگری، مقاومت در برابر تغییر، وام‌گیری بدون خلاقیت، خست علمی و تکروری در پژوهش از جمله موانع فردی نظریه‌پردازی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی است. بی‌علاقگی و بی‌رغبتی به تحصیل، و انگیزه پایین نیز از دیگر موانع فردی نظریه‌پردازی است که اعضای هیئت علمی به آن تأکید مؤکد داشتند. این یافته با نتایج پای‌بست، بابایی، نصری (۱۳۹۷) همخوانی دارد. فشار برنامه‌های آموزشی-پژوهشی دانشگاه باعث شده است که استادان با کمبود زمان مواجه شوند. ساعات تدریس و حجم کارهای تحقیقاتی فراتر از توان و انرژی استادان است. لذا برخی مواقع فرد به دلیل کمبود زمان و فشار بالای کار از نظریه‌پردازی باز می‌ماند. این یافته

با نتایج صیرفی و شریعتمداری (۱۳۹۴) همخوانی دارد. با دقت در یافته‌ها می‌توان فهمید که پشتیبانی مالی و ابزاری ضعیف است و حقوق، امتیازات، تسهیلات و امکانات به گونه‌ای نیست که فرد را برای نظریه‌پردازی ترغیب کند. این یافته با نتایج تحقیق عرب مختاری (۱۳۸۶) و فضل الهی (۱۳۸۸) و صیرفی و شریعتمداری (۱۳۹۴) همخوانی دارد. بودجه ناچیزی که به پژوهش تخصیص می‌دهند، نه تنها ترغیب‌کننده افراد به نظریه‌پردازی نیست بلکه آن‌ها را نسبت به انجام هرگونه تحقیقی دل‌سرد می‌کند. این یافته با آفاپور، فرخی، دلاور (۱۳۹۸) و هگد و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد. ضعف همکاری و مشارکت، سست بودن پیوندهای جامعه علمی، عدم اقبال جامعه به نظریه‌پردازی و نبود سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که باورها و پیوندهای اجتماعی سست است. روحیه جمعی، ضعیف و تشریک مساعی کم‌رنگ شده است. در واقع نبود روحیه جمعی، منجر به رکود نظریه‌پردازی می‌شود. ضعف ارتباط استاد-دانشجو که نمودی از سست بودن پیوندهای جامعه علمی است نیز مانع اجتماعی نظریه‌پردازی است. این یافته با نتایج دانائی فر (۱۳۸۹) همسو و موافق است. نتایج این پژوهش نشان از آن دارد که پیوند علم و جامعه ضعیف است و مدیریت آموزش عالی، مدیریتی ناکارآمد است. این یافته با نتایج تحقیق حسن‌زاده، رسولی و کریمی (۱۳۹۸) همخوانی دارد. مداخله سیاسی در دانشگاه از دیگر موانع نظریه‌پردازی است. این یافته با نتایج پای‌بست، بابایی، نصری (۱۳۹۷) نیز همخوانی دارد.

نوآوری در پژوهش

با دقت در تحقیقات پیشین می‌توان به این نکته اذعان داشت که اکثر تحقیقات پیشین در سایه پارادایم اثبات‌گرایی انجام شده است. به عبارت دیگر، در تحقیقات پیشین پژوهشگران با تکیه بر عینیت‌گرایی و با استفاده از روش‌های کمی به دنبال بررسی موانع پژوهش بوده‌اند. علاوه بر این، کانون تمرکز پژوهشگران، موانع پژوهش بوده و موانع نظریه‌پردازی از نظرها دور مانده است. محدود پژوهش‌هایی که در زمینه موانع نظریه‌پردازی انجام شده است نیز در دل پارادایم اثبات‌گرایی قرار گرفته است. این در حالی است که در پژوهش حاضر، از پارادایم ساخت‌گرایی و همچنین واقع‌گرایی تبعیت شده است. در حقیقت در این پژوهش، با تلفیق ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی و با تکیه بر روش‌های کیفی سعی شد موانع

مدل‌سازی موانع نظریه‌پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی ...

نظریه‌پردازی شناسایی شود. با انجام این تحقیق، دانشی نوین به پیکره دانشی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی اضافه شد. انجام این تحقیق، بخشی از شکاف دانشی مربوط به موانع نظریه‌پردازی را پر کرد. این تحقیق کمک کرد به چستی‌ها و چرایی‌ها در زمینه موانع نظریه‌پردازی پی ببریم. در حقیقت از سویی موانع نظریه‌پردازی را در سطح و وسعتی قابل قبول شناختیم و از سوی دیگر به روابطی که میان موانع برقرار است دست یافتیم.

پیشنهادات اجرایی

به منظور بهبود وضعیت نظریه‌پردازی در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی پیشنهاد می‌شود:

۱. واحد درسی نظریه‌پردازی به سرفصل دروس اضافه شود.
۲. با تبلیغات صحیح، دانش‌آموزان مستعد رشته‌های ریاضی و فیزیک، و همچنین علوم تجربی و انسانی جذب رشته شوند.
۳. محقق از نظر مالی تأمین شود و دانشگاه امتیازات مادی-معنوی درخوری برای نظریه‌پردازی منظور نماید.
۴. دانشگاه تسهیلات و امکانات مناسب پژوهشی را در اختیار محققان قرار دهد.
۵. نیروی انسانی کافی جذب گروه‌های علمی شود تا به واسطه آن، اعضای هیئت علمی دچار کمبود وقت یا تحلیل انرژی نشوند.
۶. دانشگاه از فشار برنامه‌های آموزشی-پژوهشی خود بکاهد.
۷. رویکرد آموزشی-پژوهشی از حالت خشک و خطی، خارج و خلاقیت محور شود.

منابع و مأخذ

آقاپور، احد؛ فرخی، نورعلی؛ دلاور، علی (۱۳۹۸). موانع و مشکلات انجام پژوهش در مدارس دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان و مدیران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

پای‌بست، صمد؛ بابایی، محمد؛ نصری، قدیر (۱۳۹۷). چالش‌های نظریه‌پردازی در علوم سیاسی و الگوی مطلوب آن در ایران مدرن از نگاه نخبگان سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

پورعزت، علی اصغر؛ رضایی، پریسا؛ یزدانی، حمیدرضا (۱۳۸۸). «بررسی موانع نظریه‌پردازی در قلمرو علوم اجتماعی». مدیریت بازرگانی، ۱(۲)، صص ۴۷-۶۲.

پیروزیخت، محمد (۱۳۹۲). مشاوره تحصیلی. [درون خطی] [دستیابی در ۵/۹/۱۳۹۶] از <http://pirouzbakht.parsiblog.com/Posts/2>

حسن‌زاده، محمد؛ رسولی، بهروز؛ کریمی، المیرا (۱۳۹۸). «بازدارنده‌های فراسازمانی رشد ظرفیت پدیده نظریه‌پردازی در دانشگاه‌های ایران: موردکاوی دانشگاه تربیت مدرس». مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ... صص (۰).

خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷). روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه نویسی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

دانائی‌فر، حسن (۱۳۸۹). «تحلیلی بر موانع ذاتی و عرضی نظریه‌پردازی سازمانی در ایران». ماهنامه سوره. ص ۱۳۷.

دهقانی، محمدجواد (۱۳۹۸). افزایش تعداد مقالات ایران در سال ۲۰۱۹. مشاهده در پاییز ۱۳۹۹ در:

<https://parstoday.com/dari/news/science-i-104674>

زیباکلام، سعید (۱۳۸۷). نظریه‌پردازی در ایران [مصاحبه] (خرداد و تیر ۱۳۸۷). صیرفی، اعظم؛ شریعتمداری، مهدی (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی موانع پژوهش از دیدگاه اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان؛ (پرديس‌ها و مراکز آموزش عالی شهر تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج)، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

عرب مختاری، روح‌اله (۱۳۸۶). شناسایی موانع و مشکلات پژوهش در رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های دولتی کشور، از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران.

فضل‌الهی، سیف‌اله (۱۳۹۱). «عوامل بازدارنده مؤثر بر پژوهش‌های دانشجویی». اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۴(۱)، ۱۶۵-۱۸۴.

مهرداد، جعفر (۱۳۸۹). پرتال وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. [درون خطی] [دستیابی در

از] ۱۳۹۱

<http://www.msrt.ir/sites/ravabetomomi/msrtnews/Lists/jsj/DispForm.aspx?ID=4119>

نوربخش مقدم، علیرضا (۱۳۹۳). دانشنامه روانشناسی مردمی. [درون خطی] [دستیابی در ۹۶

از] ۱۳۹۶

<https://public-psychology.ir/>

هرسیج، حسین (۱۳۹۰). موانع نظریه‌پردازی، روش‌شناسی، تولید علم؛ موانع و راهکارها

[مصاحبه] (مهر ۱۳۹۰).

References

- Arab Mokhtari, R.(2007). Identification of Research Obstacles and Problems in Physical Education and Sport Sciences of Public Universities of Iran from the Viewpoints of Graduate Students. M.Sc., Department of Physical Education and Sport Sciences, Faculty of Physical Education, University of Tehran
- Ashrafi, H., Zarmehr, F., Ghazavi Khorasgani, Z., Kazempour, Z., Taebi Imani, S.(2015). "Barriers to Research Activities from the Perspective of the Student of Isfahan University of Medical Sciences". *Acta Inform Med*, 23(3), 155-159.
- Archambault, Eric.2010, 30 Years in Science - Secular Movements in knowledge Creation. Toronto: Science-Metrix.
- Chiovitti RF, Piran N.2003, "Rigour and grounded theory research". *J Adv Nurs*;44(4):427-35.
- Corbin , Strauss A.1998, *Basic of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
- Danaeefar, H.(2010). ... "An Analysis of the Inherent and Transverse Barriers to Organizational Theory in Iran". *Surah Monthly*. P. 137.
- Dubin, R.,1987. *Theory Building*. Free pr;2nd Edition.
- Fazlollahi, S.(2012). "Factors Affecting Student Research". *Islam and Educational Research*, 4 (1), 165-184.
- Glaser BG, Strauss A. 1967. *Discovery of Grounded Theory. Strategies for Qualitative Research*. Sociology Press.
- Hegde, A., et. al.2017, "Attitudes, experiences, and barriers to research and publishing among dental postgraduate students of Bengaluru City: A cross-sectional study". *J Indian Assoc Public Health Dent* [serial online] [cited 2019 Dec 10];15:157-61. Available from: <http://www.jiaphd.org/text.asp?2017/15/2/157/207907>.
- Hersij, H.(2011). Barriers to Theory, Methodology, Science Production; Barriers and Solutions [Interview] (October 2011).

- Javadian, Y.(2002). "Medical students' attitudes about the importance of research". *Qazvin University of Medical Sciences Journal*, 6 (2), 64-67.
- Khaki, Gh.(2008). *Research method with thesis approach*. Tehran: Ministry of Culture and Higher Education.
- Kiani Harchegani, F., Yarmohammadian, M.(1999). "Investigating Factors Affecting Research Among Researchers". *Journal of Research in Iranian Universities and Research Centers*, Volume 7, Issue 4. Tehran: Iran Scientific Information and Documentation Center.
- Mehrad, J.(2010). Ministry of Science, Research and Technology portal. [Inline] [Accessed in[2012]from:<http://www.msrt.ir/sites/ravabetomomi/msrtnews/Lists/sj/DispForm.aspx?ID=4119>.
- Meshkat, M.(2011). Getting rid of the stereotypes of names and common theories [Interview] (October 2011).
- Noorden, Richard.2011, 365 days: 2011 in review. Nature.
- Nourbakhsh Moghaddam, A.(2014). Encyclopedia of popular psychology. [Inline] [Accessed on 6 9 1396] From: <https://public-psychology.ir/>
- Olaussen, A., et. al. 2017, Barriers to conducting research: A survey of trainees in emergency medicine: EMERGENCY MEDICINE RESEARCH BARRIERS. EMA 29(2)
- Pirouzbakht, M.(2013). Academic advice. [Online] [Accessed on 9/9/96] /From: <http://pirouzbakht.parsiblog.com/Posts/2>
- Polit DF, Beck CT.2013, *Essentials of nursing research: Appraising evidence for nursing*
- Polit DF, Tatano C, Beck CT.2010, "Generalization in quantitative and qualitative research: myths and strategies". *Int J Nurs Stud. Elsevier Ltd; Nov;47(11):1451-8*.
- Pourezat, A., Rezaei, P., Yazdani, H.(2009). "Investigating Barriers to Theory in the Social Sciences Territory". *Business Management*, 1 (2), pp. 47-62.
- Strauss A, Corbin J.1998, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory: Procedures and Technique*. Newbury Park, London, Sage.
- Van de van ,A.H.1989, "Nothing is quite so Partical as a good theory". *Academy of management. review* Vol14,No 4.
- Wimpenny P, Gass J.2000, "Interviewing in phenomenology and grounded theory: is there a difference?" *J Adv Nurs;Jun;31(6):1485-92*.
- Zibaklam, S.(2008). Theory in Iran [Interview] (June and July 2008).